

*Research Article*

## The adaptation of the water myth in Ferdowsi's Shahnameh and the book Myths about Water and Its Fleets

Mohammad Shah Badi'zadeh<sup>1\*</sup>, Javad Mehraban<sup>1</sup>, Ahmad Modir<sup>2</sup>

### Abstract

Water, as one of the four opposing elements, is the most amazing divine gift and a gift of nature that has been respected since ancient times and has played a significant role in the flourishing of human civilization. The essence of water is the source of existence in the beliefs of the ancients. Passing through water symbolizes passing from the mortal body and reaching the world of meaning and rebirth. Some goddesses are guardians of water and a symbol of life and resurrection. Ancient Iranians and Egyptians, while honoring this life-giving element, considered its preservation and maintenance as their religious duty. Therefore, the water myth in the mind and thought of Ferdowsi and Asma Abd al-Rahman is a symbol of immortality, fertility, and fertility; washing with water is essential for performing prayers; it also plays a significant role in the system of creation. What made this research a necessity in the minds of the authors is the study, comparison and comparison of the archetype of water in Ferdowsi's Shahnameh and the book "Myths about Water and Fleets" written by Asma Abd al-Rahman. Considering that no research has been done on this subject before, the authors have tried to show the sacred position and various functions of the myth of water in these two valuable works by using the method of comparative literature.

**Keywords:** Water myth, Comparative literature, Ferdowsi's Shahnameh, Essay on Myths about Water and Fleets

**How to Cite:** Shah Badi'zadeh M, Mehraban J, Modir A., The adaptation of the water myth in Ferdowsi's Shahnameh and the book Myths about Water and Its Fleets, Journal of Comparative Literature Studies, 2025;19(76):233-248.

1. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

2. PhD Student, Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

**Correspondence Author:** Mohammad Shah Badi'zadeh

**E-mail:** mohammad.shahbadizadeh@gmail.com

مقاله پژوهشی

## تطبیق اسطوره آب در شاهنامه فردوسی و کتاب اساطیر حول الماء و اساطیله

محمد شاه بدیع زاده<sup>۱</sup>، جواد مهربان<sup>۱</sup>، احمد مدیر<sup>۲</sup>

### چکیده

آب به عنوان یکی از چهار عنصر متصاد، شگفت انگیزترین موهبت الهی و داده طبیعت است که از دیرباز مورد احترام بوده، نقش به سزایی در شکوفایی تمدن بشر داشته است. گوهر آب در باورهای گذشتگان سرچشمه هستی است. گذشتن از آب، نماد گذر از جسم فانی و رسیدن به عالم معنا و زندگی دوباره است. برخی ایزد بانوان نگهبان آب و نماد زندگی و رستاخیزند. ایرانیان و مصیریان باستان، ضمن گرامیداشت این عنصر زندگی بخش، حفظ و نگهداری آن را وظيفة دینی خود می دانستند. بدین روی، اسطوره آب در ذهن و اندیشه فردوسی و اسماء عبدالرحمن، نماد جاودانگی، زایندگی و باروری است؛ شستشو با آب امری ضروری برای انجام نیایش است؛ در نظام آفرینش نیز نقش به سزایی دارد. آنچه این پژوهش را به عنوان یک ضرورت در ذهن نگارندگان مطرح نمود، بررسی، مقایسه و تطبیق کهن الگوی آب در شاهنامه فردوسی و کتاب «اساطیر حول الماء و اساطیله»، نوشتة اسماء عبدالرحمن است. با توجه به اینکه پیش از این هیچ پژوهشی در این باره انجام نشده است، نگارندگان کوشیده اند تا جایگاه قدسی و کارکردهای گوناگون اسطوره آب را با روش ادبیات تطبیقی در این دو اثر ارزنده نشان دهند.

**واژگان کلیدی:** اسطوره آب، ادبیات تطبیقی، شاهنامه فردوسی، مقاله اساطیر حول الماء و اساطیله

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

نویسنده مسئول: محمد شاه بدیع زاده  
ایمیل: mohammad.shahbadizadeh@gmail.com

## مقدمه و بیان مسئله

در ایران و مصر باستان، باستان آب مورد احترام، تقدس و نیایش بوده است. در ایران باستان، قدمت ستایش «اپام نبات»، ایزد اصلی نگهبان آبها که در دوره های پسین جای خود را به ایزد بانوی «آناهیتا» داده است، «به دوره های بسیار پیشین، حتی به زمان پیش از زردهست می‌رسد.» (آموزگار، ۱۳۹۵ش: ۲۴-۲۵). از آنجا که اسطوره، نماد باورهای انسان های کهن است، گذشتگان پدیده های طبیعی را نیروهای آسمانی و خدایی می دانستند. از این میان، «چهار عنصر آب و آتش و باد و خاک، بارزترین مظاهر طبیت هستند که بنا بر کهن‌ترین باورهای پیشین، نماینده پاکی و سرچشمۀ زندگی در طبیعت بوده‌اند.» (بهار سخن، شماره ۳۶: ۱۱۶). اگرچه نقش نمادین آب را می توان در سه مضمون: سرچشمۀ زندگی، جاودانگی، و رستاخیز خلاصه کرد، «تقریباً در اساطیر تمام ملل، آب را نماد مرگ و بازیابی و زندگی دوباره به شمار آورده‌اند.» (شواليه، ۱۳۷۸ش: ۳). این گوهر اسطوره‌ای، پیش از آنکه از مرحله وحدت به مرحله کثرت برسد، در فرهنگ ملت ها سرآغاز آفرینش مادی و نماد زیایی و زندگی است؛ غوطه خوردن در آب، نماد بازگشت به زندگی دوباره است؛ درمان بخش است، و شستشوی مردگان با آب نیز موجب رستاخیز پس از مرگ می شود.

## هدف پژوهش

با توجه به اهمیت و قداست گوهر آب در ایران و مصر باستان و انجام نشدن هیچ پژوهش دیگری در این باره، هدف از انجام این پژوهش بررسی، مقایسه و تطبیق کهن‌الگوی آب در شاهنامه فردوسی و کتاب «أساطیر حول الماء و أسطايله»، نوشته اسماء عبدالرحمن است. بدین روی، نگارنده‌اند کوشیده‌اند تا جایگاه قدسی و کارکردهای گوناگون اسطوره آب را با روش ادبیات تطبیقی و خوانشی اسطوره‌ای در این دو اثر ارزنده نشان دهند و میزان دگرگونی و تحول معنایی کارکردهای این کهن‌الگو را در ذهن و اندیشه فردوسی و اسماء عبدالرحمن نشان دهند.

## پیشینه پژوهش

با اینکه پیش از این، در باره کارکردهای تطبیقی اسطوره آب در شاهنامه فردوسی به عنوان برجسته ترین اثر اسطوره‌ای و حماسی زبان فارسی، و کتاب «أساطیر حول الماء و أسطايله»، نوشته دکتر اسماء عبدالرحمن عبدالرحیم، نویسنده برجسته مصری، هیچ پژوهشی انجام نشده است، پژوهش هایی در باره اسطوره آب و شاهنامه انجام شده که به چند نمونه اشاره می شود. حسن حیدری (۱۳۸۵ش) در مقاله «حضر، اسکندر و آب حیات» که در نشریه مطالعات عرفانی چاپ شده، به بیان پیشینه آب حیات و برداشت های گوناگون از این اسطوره پرداخته است که

تناسب چندانی با مضمون این پژوهش ندارد. فرزاد قائمی و همکاران (۱۳۸۸ش) در مقاله «تحلیل نقش نمادین اسطوره آب و نمودهای آن در شاهنامه فردوسی بر اساس روش نقد اسطوره‌ای» که در نشریه جستارهای ادبی چاپ شده است، تنها به کارکردهای اسطوره آب در شاهنامه پرداخته و به کارکردهای آن در کتاب اساطیر حول الماء و اساطیله، اشاره ای نکرده اند. اسماعیل اسماعیل پور (۱۳۸۱ش) در مقاله «تیرما سیزش» ضمن بیان خاستگاه جشن تیرما سیزش و اشاره به اسطوره «تیشتر» (ایزد باران) و نبرد وی با دیو خشکسالی، به جایگاه اسطوره آب در شاهنامه فردوسی و متنون عربی اشاره ای نکرده است. در مقاله «تجلی رمز و اسطوره در دیوان، حدیقه و سیرالعباد» سنایی، نوشتۀ مهناز باز گیر و همکاران (۱۳۹۶ش) که در فصلنامه بهارستان سخن چاپ شده است، نویسندها ضمن تحلیل اسطوره آب در عدهه ترین آثار سنایی، به جایگاه آن در شاهنامه و اسطوره دیگر ملت‌ها، از جمله مصر نپرداخته اند. بدین روی، این مقاله نیز تناسب چندانی با موضوع این پژوهش ندارد. بر همین اساس، نگارندگان این پژوهش کوشیده اند تا با استفاده از روش ادبیات تطبیقی و خوانشی اسطوره گرا، کارکردهای گوناگون کهنه‌الگوی آب را در ذهن و اندیشه فردوسی و اسماء عبدالرحمن مورد بررسی و تحلیل قرار دهند.

### پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش

- اسطوره آب در شاهنامه فردوسی و کتاب اساطیر حول الماء و اساطیله چه جایگاهی دارد؟
- اسطوره آب در متنون یاد شده چه خاستگاه و کارکردهایی دارد؟
- شباهت‌ها و تفاوت‌های اسطوره آب در این دو اثر چیست؟

### بحث و بررسی

#### مبانی نظری پژوهش

ادبیات تطبیقی یک از شاخه‌های ارزشمند علوم ادبی معاصر است که میزان تأثیر پذیری ادبیات ملت‌های گوناگون از یکدیگر را نشان می‌دهد. ادبیات تطبیقی این نکته مهم را به اثبات می‌رساند که تکامل و شکوفایی ادبیات، فرهنگ و باورهای هر ملتی به دور از اندیشه‌های ادبی دیگر ملت‌ها ناممکن است. بر همین اساس، اسطوره آب و کارکردهای گوناگون آن، به عنوان یکی از برجسته ترین مضمون‌های مشترک در فرهنگ دو ملت ایران و مصر، در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

آب به دلیل نقشی که در زندگی بشر دارد، همواره مورد احترام و پرستش بوده، ملت‌های کهنه و اسطوره ساز، اسطوره‌های گوناگونی در باره آن ساخته اند. با توجه به اینکه تمدن‌های

کهن در کنار رودخانه های بزرگ پدید آمده اند، اهمیت آب باعث شده است تا «جویبارها و چشمه سارها مقدس شمرده شوند، و مردم هر زادبوم، رودی را که از سرزمینشان می گذشت به خدایی بردارند.» (دلاشو، ۱۳۶۶: ۱۳۷). به باور اسماء عبدالرحمن، آب مایه حیات و اساس ایجاد تمدن ها در طول تاریخ است. بدین روی، انسان در جایی وجود دارد که آب باشد، و هرجا که منبع آب باشد، زندگی برقرار است. «فقد وجد البشر حيث يوجد الماء، و تقام الحياة أينما يتتوفر مصدر للماء.» (اسماء عبدالرحمن، ۱۴۴۲: ۱۱۱۲۳).

به باور انسان های کهن، جهان از چهار آخشیج آب، باد، خاک و آتش تشکیل شده است. از این میان، آب نمادی زنانه دارد و «زایش، باروری، نیرو بخشی، و چشمۀ حیات را تداعی می کند.» (کوپر، ۱۳۷۹: ۱). بر پایه همین باور اسطوره ای، بازگیر و همکاران معتقدند که مادینگی آب با «کهن نمونه مادینۀ روان در پیوند است.» (بهار سخن، شماره ۳۶: ۱۱۷). استیونس<sup>۱</sup> و ورونیکا<sup>۲</sup> انسان را حاصل آمیزش آب و خاک می دانند. (ر.ک. استیونس و ورونیکا، ۱۳۷۳: ش. ۶۸).

در آیین مهری پیوستگی با آب و هر آنچه در آب بارور شود، مقدس است. آب در اسطوره های زردشتی به عنوان دومین آفریدۀ اورمزد، اساس آفرینش است. در آبان یشت، آردوی سوره آناهیتا، به معنای رودخانه نیرومند و مقدس، نگاهبان آب هاست. برخی بر این باورند که آناهیتای ایرانی همتای اثای میان رودان، سرس و تی و دایی، ایشتر بابلی، و آفرودیت یونانی است که به عنوان مظہر زندگی، زمین، جانوران و زنان را بارور می کند. (الیاده، ۱۳۷۶: ۱۹۰).

آب، در اعتقاد به ظهور نهایی نجات دهنگان زدرشتی، نقش برجسته ای دارد. ریپیتوین از ایزدان نگهبان آب است که در زمستان با گرم نگاه داشتن آب های زیر زمین، به ادامه زندگی گیاهان و درختان کمک می کند. ایزد باد در ابرهای باران زا زندگی می آفریند. تیشتر که فرشته باران است، «در اصل نام ستاره ای است به همین نام که در ایران قدیم پرستیزده می شده است.» (نامه انسان شناسی، شماره ۱: ۸۱).

به عقیدۀ اسماء عبدالرحمن، پی بردن به راز پدیده های طبیعی، یکی از اصلی ترین دغدغه های ذهنی انسان های نخستین بوده است. به همین دلیل، آنان، «لجأ إلى التفسير الأسطوري الذي يفرضه خياله البشري، في فهم تلك العلاقات مع عناصر الطبيعة... خاصة الماء الذي يمثل ثلاثة أضعاف اليابسة، وهى كلها تفسيرات تخلو من المنطق العلمي، والمعابير المنهجية.» (اسماء عبدالرحمن، ۱۴۴۲: ۱۱۱۳۰).

1. Stevens

2. Veronica

ترجمه: برای درک آن روابط با عناصر طبیعت، به تفسیر اسطوره‌ای تحمیل شده به وسیله تخیل انسانی خود متولّ می‌شند. مخصوصاً آب که سه برابر خشکی‌ها را شامل می‌شود، و این‌ها همگی توضیحاتی است خالی از منطق علمی و تعبیر روش‌شناختی.

### بحث اصلی پژوهش

#### کارکردهای گوناگون اسطوره آب در شاهنامه فردوسی

در شاهنامه فردوسی، اسطوره آب در سه مضمون اصلی به کار رفته است که عبارتند از: نقش آب در پدید آمدن عالم هستی، آب حیات و جاودانگی، و آزمون گذر از آب.

#### نقش اسطوره آب در آفرینش عالم هستی

در شاهنامه فردوسی جلوه‌های گوناگون آب به صورتی زیبا و هنرمندانه، به نمایش در آمده است. از نقش آن در آفرینش هستی، ساختن سد و کنترل آب برای انجام کارهای کشاورزی و زندگی گرفته، تا تطهیر پیش از نیایش، یا عبور از دریاهای ژرف و رودخانه‌های خروشان، برای رسیدن به رستاخیز و زندگی دوباره. از این میان، مهم‌ترین جلوه حضور آب در شاهنامه، نقش آن در نظام آفرینش است.

... که یزدان ز ناچیز چیز آفرید	بدان تا توانایی آمد پدید
برآورده بی‌رنج و بی روزگار...	وُزو مایه گوهر آمد چهار

(فردوسی، ۱۳۹۴ش: ج ۱/۲).

گوهر آب در داستان هوشنگ، به بنای سد، کنترل آب، و رواج کشاورزی که زندگی و هستی بدان بسته است ارتباط می‌یابد. دست یافتن به فر آریایی، کفایت و کارданی نیز با آب در پیوند است. در شاهنامه، خاک، نماد جسم فانی، و آب به عنوان عنصری مقدس، نماد زندگی، زایندگی و پاکی گوهر وجودی است. با توجه به روایت‌های اسطوره‌ای، خاک و آب مادینه، فرودین و این جهانی اند. از این روی، در ادب فارسی از گیتی با عنوان «جهان آب و گل»، و در شاهنامه از مردم با عنوان «آب و خاک» یاد شده است. چنین یاد کرده‌ایی از گیتی و انسان، نشان می‌دهد که گوهر آب در شاهنامه با تفسیرهای انتزاعی ذهن غریزی انسان، ارتباط تنازنگی دارد. گاهی نیز مراد استاد سخن از آب، روح خدایی است. همان حقیقت وجودی که در ذهن و اندیشه اسماء عبدالرحمن مایه حیات، عنصر شکل گیری نظام هستی و نماد الوهیت است.

### کهن‌الگوی آب در نقش آب حیات و جاودانگی

از آنجا که آدمی را از آغاز، توان چیرگی بر مرگ و نیستی نبوده است، این پندار همواره ذهن وی را بر آن داشته تا دست کم، در باورهای اسطوره‌ای خویش، راهی برای جاودانگی بیابد. بر پایه همین پندار، آب حیات، نام چشم‌های در ظلمات است که هر که از آن بنوشد یا سر و تن در آن بشوید، جوانی از سر گیرد؛ روزگار به شادمانی گذراند، و جاودانه زید. پیشینه دست یافتن به این آرزو، به دیرینگی عمر بشر می‌رسد و در فرهنگ بسیاری از ملت‌ها حضور دارد. یکی از شگفت‌ترین و کهن ترین این داستان‌ها، در حدود، «سه هزار سال پیش از پردازش داستان اسکندر از مضمون افسانه‌ای مذکور، در حماسه بین النهرين، گیل گمش، بازگو شده است.» (سرکارانی، ۱۳۸۵ش: ۲۸۷). در پاره‌ای از باورهای اسطوره‌ای، سرمنشأ آب حیات به چشمه سارهایی در آسمان‌ها نسبت داده شده است. حسن حیدری به نقل از الیاده در این باره می‌نویسد: در اسطوره‌های مصری، آب حیات در نقش برجسته درخت «هاثور» در آسمان‌ها جای دارد که به روان در گذشتگان، «نوشیدنی و خوردنی می‌دهد و موجب حیات و بقای جاودان می‌شود.» (مطالعات عرفانی، شماره ۳: ۷۶). آب در این نقش نمادین، رمز جاودانگی، جوانی و حیات است که در سرزمین‌هایی دور و دشوار قرار دارد و موجوداتی هولناک، از آن نگاهبانی می‌کنند، از این روی، برای همگان امکان دسترسی بدان وجود ندارد، و به گفته الیاده، «پیمودن راهی که به سرچشمۀ آب حیات می‌رود، و به دست آوردن آن، متنضم سلسله نذرها و نیازها و آزمون هایی است.» (الیاده، ۱۳۷۶ش: ۱۹۳). در رمزپردازی‌های خورشید در اسطوره‌های ملت‌ها، غوطه ور شدن شبانه خورشید در دریا، و برآمدن از آن در سحرگاهان، نماد نوزایی و تولد دوباره است. در اسطوره‌های مصر، قنونوس صورت شخصیت یافته خورشید در حال طلوع است، که زندگی را از درون آب آغاز می‌کند، و «در هنگام سپیده دم، به شکل دختری جوان نمودار می‌شود.» (زمردی، ۱۳۸۸ش: ۵۲).

از آنجا که در آیین‌های اسطوره‌ای، غوطه ور شدن در آب، رمز ناپدید شدن صورت کهن، برای رسیدن به صورتی نوین است، قائمی به نقل از میر<sup>1</sup> می‌نویسد: همان گونه که بارش باران در آثار ادبی، نمایان‌گر هستی و تولد دوباره است، غسل تعمید نیز می‌تواند نشان دهنده نوزایی دوباره روان انسان باشد. (ر.ک. جستارهای ادبی، شماره ۶۵: ۵۷). بر پایه همین باور، رسم آیینی غسل تعمید یا پاپتیسم<sup>2</sup> و شست و شوی بدن در آب مقدس برای پاک شدن نوکیش از آلوگی ها، نوعی تجدید حیات به وسیله آب مقدس است.

1. Meyer  
2. Paptism

در باورهای زردشتی، سرچشمه هوم به آسمان ها نسبت داده شده است. بنا بر مندرجات اوستا، گیاه زندگی بخش «هوم»، همان کهن الگوی آب حیات یا اکسیر جاودانگی است که در بخش های گوناگون اوستا از آن نام برده شده است. استاد پورداود به نقل از بند ۱ تا ۳ از فصل ۱۸ بندهشن می گوید از برگ های گیاه زندگی بخش هوم که در دریای فراخکرت در عمق آب می روید، «حیات و زندگی نوین به دست می آید. و این گیاه است که حیات جاودان بخشد.» (پورداود، ۱۳۹۴ش: ج ۴/ ۶۸۰). البته پیش از زردشت، در آیین مهری نیز، «ایزد سومه، که تجسم باران [آب آسمانی] است، خدای زندگی و بی مرگی شمرده شده است.» (ورمازن، ۱۳۷۲ش: ۱۹).

لازم به یادآوری است که در دوره های پسین، برگ های زندگی بخش این گیاه اسطوره‌ای، در شاهنامه با یک دگرگونی عمدۀ، «به دلیل قرابتش با آب، مبدل به آب شده، و آب حیات را شکل داده است.» (رضی، ۱۳۴۶ش: ۶۸۷).

یکی از آشکارترین جلوه های آب حیات در شاهنامه، در داستان اسکندر نمود یافته است. بنا بر روایت شاهنامه، اسکندر در ادامه گشت و گذارهای خود به شهری می رسد که مردم آن شهر، وی را از وجود چشمه‌ای آگاه می کنند که به آدمی عمر جاودان می بخشد. آزمندی اسکندر، وی را بر آن می دارد تا به راهنمایی خضر برای رسیدن به این چشمه، وارد ظلمات شود. وی پس از پیمودن دو شبانه روز راه:

سه دیگر به تاریکی اندر دو راه پدید آمد و گم شد از خضر، شاه  
پیامبر سوی آب حیوان کشید سر زندگانی به کیوان کشید

(فردوسی، ۱۳۹۴ش: ج ۳/ ۳۱۹).

چنانکه اشاره شد، بنا بر روایت شاهنامه، اسکندر به راهنمایی خضر در جست و جوی آب حیات بر می آید، ولی حسن حیدری به نقل از تاریخ طبری در این باره می گوید در تاریخ طبری، «از همراهی خضر با او در این سفر سخنی نیست.» (مطالعات عرفانی، شماره ۳: ۷۸). اسکندر پس از ناکامی در رسیدن به چشمه آب حیات، و دیدن مردهای شگفت بر فراز کوه، به چشمه‌ای شور و راز آمیز می رسد که آن چشمه، زمان مرگ وی را باز می گوید. در این داستان نمادین، شوری آب چشمه، بیان گر تلخی مرگ و شوربختی پایان زندگی است.

از دیگر جلوه های حضور آب در اسطوره ها، درمانگری آن است. بر پایه همین باور، الیاده می گوید آب که رمز آفرینش کیهان است، در واقع، جوهری جادوبی است که خاصیت درمانگری دارد. (الیاده، ۱۳۷۶ش: ۱۹۳). بهترین نمود درمان بخشی آب در شاهنامه، «آب چشمه سو» در داستان یزدگرد بزه گر است.

همانگونه که در اسطوره‌های ملت‌ها، غوطه ور شدن شبانه خورشید در آب دریا، و برآمدن از آن در سحرگاهان، نماد نوزایی و تولد دوباره است، در شاهنامه فردوسی، خورشید در پایان روز، در چشمه آب حیات که از آسمان‌ها بر می‌آید، به فردوس بربین راه دارد، و هر که از آن بنوشد، هرگز نمی‌میرد، پنهان می‌شود،

چو خورشید تابان بدانجا رسد  
بر آن ژرف دریا شود ناپدید  
پس چشمه در تیره گردد جهان  
شود آشکارای گیتی نهان...

(فردوسی، ۱۳۹۴ش: ج ۶/۹۱).

خالقی مطلق، بر این باور است که آب حیات، همان چشمه‌ای است که بنا بر روایت شاهنامه، کیخسرو «در آن غسل کرده، در زمرة جاودانان در آمد.» (خالقی مطلق، ۱۳۸۱ش: ۴۳۰). سرکاراتی در میان کوشک‌های هفتگانه کاوس بر فراز البرز، از کوشکی سخن می‌گوید که چشمه آب حیوان در آن قرار دارد و «هر زالی که وارد آن شود، بُرنا و جوان از آن بیرون می‌آید.» (سرکاراتی، ۱۳۸۵ش: ۲۸۸).

در شاهنامه، داستان کیخسرو از دیگر جلوه‌های نمادین آب، در نقش آب حیات است. در این داستان حماسی - عرفانی، پس از کشته شدن ناجوانمردانه سیاوش، خشکسالی بزرگی که نماد مرگ، نیستی و فساد است، همه جا سایه می‌گسترد. آنگاه گودرز خوابی می‌بیند که در آن، ابری پرآب از ایران زمین بر می‌آید و خجسته سروش از فراز آن فریاد بر می‌آورد که راه نجات ایرانیان، «آوردن سیاوش از توران زمین به ایران است، و هم بر دست او کین سیاوش را باز توان گرفت.» (سرامی، ۱۳۹۲ش: ۵۵۶). در این بخش از داستان، آب نماد بالقوه زندگی و حیات است. در ادامه، پس از بازگشت کیخسرو به ایران، و نشستن بر سریر شهریاری، خواب گودرز تعبیر شده، ابرها باریدن می‌آغازند و با ایجاد رستاخیز نوینی در طبیعت، زمین زندگی دوباره‌ای می‌یابند. فرجام این داستان شگفت، از سویی بیان گر زندگی زاهدانه کیخسرو است که وی در آن، با گزینش مرگ پیش از مرگ، به جاودانگی می‌رسد و از دیگر سو نشان دهنده اوج نمادینگی آب در شاهنامه است.

با این همه، این کهن الگو در ایران باستان، بن‌مایه‌ای دو سویه دارد: رویه آشکار آن زندگی و رویهٔ پنهان آن مرگ است که شوالیه و گبران از آن با عنوان آب‌های مرگ یاد کرده، معتقدند چنین مكافاتی، «فقط برای گناهکارن است.» (شوالیه، ۱۳۷۸ش: ۱۴). بارزترین نمونه این مضمون در متون دینی و قرآن کریم، داستان طوفان نوح، و در شاهنامه، داستان یزدگرد است که در آن،

خودبینی یزدگرد، آب چشمه‌سو را به آب مرگ تبدیل کرده، اسبی از آب بیرون می‌آید، و وی را می‌کشد.

### آزمون گذر از آب

آزمون گذر از آب، نوعی آزمایش ایزدی است که طی آن، انسان با گذشتن از عالم جسم، به عالم روح و معنا گام می‌نهد. این آزمون با بن مایه هایی مشترک، در اسطوره‌های بیشتر ملت‌ها به صورت گذر از رودخانه‌ای خروشان یا دریاچی بی کران نمود می‌یابد. به باور یونگ و سیوگ<sup>۱</sup> آزمون گذر از آب، یکی از نمودهای کهن‌الگوی مرگ و تولد دوباره است که در آن، «من» انسان که به ژرفای تاریک ضمیر ناخودآگاه هبوط کرده، با گذر از مرحله‌ای دشوار و نمادین، «تولد دوباره‌ای را در قالب بازگشته کمال یافته به خودآگاهی از سر می‌گذارد.» (جستارهای ادبی، شماره ۶۵: ۶۱).

در بند ۱۰۴ از کرده ۲۳ آبان‌یشت، زردشت پس از گذشتن از رودخانه خروشان «ونگوهی دائمیتیا» و پشت سر نهادن زندگی جسمانی، به عالم ملکوت گام نهاده، در آریاوج با اهورا مزدا سخن می‌گوید. بازتاب این مضمون در بسیاری از داستان‌های شاهنامه نیز به چشم می‌خورد. چنان که فریدون برای دست‌یافتن به دهک تازی، به تنی میان کیانی را ببست، بر باره شیر دل برنشیست و:

سرش تیز شد کینه و جنگ را بدب اندر افکند گلنگ را

(فردوسی، ۱۳۹۴ش: ج ۱/ ۴۱).

داستان شهریاری کیخسرو که در شاهنامه با آزمون گذر از آب گره خورده، او را وا می‌دارد تا برای رسیدن به ایران، بی‌نیاز از کشتی:

چو کشتی همی راند تا بازگاه	بداب اندر افکند خسرو سیاه
برون شد ز جیحون و از آب چیر	پس او فریگیس و گیو دلیر
جهانجوی خسرو سر و تن بشست	بدانسو گذشتند هرسه درست

(همان: ج ۱/ ۴۳۹).

کیخسرو پس از پیروزی بر خاقان چین، برای رسیدن به توران و نبرد نهایی با افراسیاب، از دریای شگفت، طوفانی و هولناک «زره» می‌گذرد. رستم در خوان پنجم، برای نجات کاوهوس، از

<sup>۱</sup>. Sugg

رودخانه‌ای خروشان و هراس‌انگیز می‌گذرد، تا به وی و دیگر ایرانیان دربند، زندگی دوباره‌ای بخشد.

کزو بگذری، رود آب است پیش  
که پهنه‌ای او بر دو فرسنگ بیش  
کنارنگ دیوی نگهبان اوی  
همه نره دیوان به فرمان اوی  
(همان: ج ۲۱۸).

خوان ششم اسفندیار نیز جلوه دیگری از آزمون آب در شاهنامه را نشان می‌دهد.

سپاه اندر آمد به یکبارگی  
به دریا سبکبار شد بارگی  
(همان: ج ۱۱۷).

### کارکردهای گوناگون اسطوره آب در کتاب اساطیر حول الماء و اساطیله

#### نقش اسطوره آب در پدید آمدن عالم هستی

یکی از عمدۀ ترین کارکردهای کهن الگوی آب در اسطوره‌های مصری، نقش سازنده آن در شکل گیری نظام هستی است. چنانکه اسماء عبدالرحمن در این باره می‌گوید: آب مایه حیات برای همه زندگان، راز وجود آن‌ها، و در واقع، عنصر اصلی شکل گیری جهان است. «آن‌ه عصب الحیا لجمیع الاحیاء و سر وجودها، بل والعنصر الرئیس فی تکوین الكون...». (اسماء عبدالرحمن، ۱۴۴۲ق: ۱۱۲۵). نویسنده، در ادامه، به وجود آمدن خدایان گوناگون را نیز برگرفته از گوهر آب دانسته، می‌نویسد: «اجتمعت الأساطیر فی کون الماء مكوناً أساساً فی نشأة الكون، و نشأة آلله التي ساد الاعتقاد بِها عصوراً كثيرة... لكن الماء كان العنصر الأساس، والله الأصل لكل المخلوقات.» (المرجع السابق).

ترجمه: اسطوره‌ها در این واقعیت که آب عنصری اساسی در شکل گیری جهان و منشأ به وجود آمدن خدایان بود، اتفاق نظر دارند. اعتقادی که سده‌های بسیار وجود داشت، اما آب عنصر اساسی و خدای اصلی همه موجودات است.

از آنجا که آب پیوندی دیرین و مهم با زندگی بشر دارد، شاعران و نویسندهان عرب آن را به شکل‌های گوناگونی در آثار خود بازتاب داده‌اند. «حتى عرف من العرب عن العرب قدیماً أنهم «ابناء ماء السماء»، لأنتمادهم على ماء المطر بشكل رئيس فی الشرب والزراعة.» (المرجع السابق).

ترجمه: حتی معروف است که عرب‌های قدیم، به دلیل وابستگی خود به آب باران، برای نوشیدن و کشاورزی، خود را فرزندان آب‌های آسمان می‌دانستند.

عماد مجاهد، با توجه به نقش آب در شکل گیری عالم هستی، آب را اقیانوس ابدی و خدای خدایان دانسته، می نویسد: «أَمَالْمَاءُ فَهُوَ الْمَحِيطُ الْأَزْلِيُّ الْبَدَائِيُّ، الَّذِي خَلَقَتْ مِنْهُ الْأَلْهَمَةُ وَالسَّمَاءُ وَالطَّبِيعَةُ، وَعَرَفَ هَذَا الْمَحِيطُ الدَّائِيُّ، بِاسْمِ «نُونٍ» (عَمَادُ مجاهد: ۲۰۲۰: ۳۶).

ترجمه: آب همان اقیانوس ابدی و بدوی است که خدایان و آسمان و طبیعت از آن آفریده شده‌اند، و این اقیانوس بدوی به نام «نون» معروف است.

بسیاری از متون مصر باستان، علاوه بر آنکه آب را خدای خدایان می دانند، نظام هستی را به دو گروه خیر و شر تقسیم می کنند و بر این باورند که خدای گروه خیر در یک دوره زمانی، خدای «اتم» از دریا بیرون آمد، «وَ قَالَ لِيْسَ لِيْ أَبَ، وَ لِيْسَ لِيْ أُمَّ، لَقَدْ خَلَقْتُ نَفْسِي مِنْ مَيَاهَ الْمَحِيطِ، وَ أَنَا الْأَلَهُ فِي الْكَوْنِ، وَ سُوفَ أَخْلُقُ الْأَلَهَهُ الْآخَرِينَ.» (اسماء عبدالرحمن، ۱۴۴۲ق: ۱۱۱۳۷).

ترجمه: وَ گَفْتَ مِنْ نَهْ پَدْرِيْ دَارِمَ وَ نَهْ مَادْرِيْ. خُودَ رَا اَبَ اَقِيَانُوسَ آفَرِيدَمَ وَ مِنْ خَدَائِيْ جَهَانَ هَسْتَمَ، وَ خَدَائِيْ دِيَگَرِيْ خَوَاهِمَ آفَرِيدَ.

اسماء عبدالرحمن نیز ضمن تأکید بر نقش آب در آفرینش هستی، نخستین آفریننده را اتم می داند و از زبان اسطوره می نویسد: «وَ تَقُولُ الْأَسْطُورَةُ أَنَّ الْأَلَهَ الْخَالِقَ الْأَوَّلُ هُوَ «آتُومٌ»<sup>۱</sup> وَ هُوَ مُتَحَدٌ فِي هُوَيَّةٍ وَاحِدَةٍ مَعَ أَلَهِ الشَّمْسِ رَعٍ.» (المراجع السابق: ۱۱۱۳۸).

ترجمه: اسطوره می گوید که نخستین خدای آفریننده، اتم است و او در یک هویت با خدای خورشید، رَعَ، مُتَحَدٌ شده است.

با توجه به اینکه برخی از اسطوره های مصری، آب را جسم خداوند می دانند، ولید فکری معتقد است که بیشتر این اسطوره ها بر این نکته تأکید می کنند که آب، خدا و حتی پدر همه خدایان است: «تَلَكَ الْأَسْاطِيرُ تَؤَكِّدُ كَوْنَ الْمَاءِ هُوَ الْأَلَهُ، بَلْ أَبَا لِلْأَلَهَهِ جَمِيعَهَا.» (ولید فکری، ۹۱: ۲۰۱۹).

جفری بارندر از دیگر نویسندهای عرب است که ضمن تأیید نظر اسماء عبدالرحمن و عmad مجاهد، در باره نقش آب در پدید آمدن عالم هستی می نویسد: «خَرَجَ آتُومُ مِنْ عَمَاءِ الْمَيَاهِ الَّذِي يُسَمِّي «نُونًا» ثُمَّ ظَهَرَ فَوْقَ تَلٍ، وَ أَنْجَبَ بَغْيَرِ زِوْجِ الْأَلَهِ «شَوَّ» (الْهَوَاءُ)، وَالْأَلَهَهُ «نَقْفُ نُوتَ» وَ تَفَنَّتْ (الرَّطْبَوَةُ)، وَ كَانَ اللَّهُ الْهَوَاءُ «شَوَّ» هُوَ الَّذِي زَجَ بِنَفْسِهِ بَيْنَ أَلَهَهِ السَّمَاءِ «نُوتَ»، وَ زَوْجَهَا أَلَهُ الْأَرْضِ جِبَ، وَ بَذَالَكَ فَصْلُ السَّمَاءِ عَنِ الْأَرْضِ.» (جفری بارندر، ۱۹۹۳: ۱۷۳).

ترجمه: اتم از اعمق پرآبی به نام نون بیرون آمد، سپس بر تپه‌ای ظاهر شد، و بدون ازدواج با خدای شو (هواء)، الهه رطوبت را به دنیا آورد، و خدای هوا (شو)، کسی بود که خود را

1. Atum

در میان خدایان آسمان، «نوت» قرار داد، و او را به ازدواج خدای زمین، «گب» درآورد. و بدین ترتیب، آسمان از زمین جدا شد.

با توجه به اقلیم بیابانی سرزمین کهنه مصر و کمبود آب در آن، چاه‌ها و برکه‌ها در باورهای مصریان باستان اهمیت و جایگاه بالایی دارند و از دیگر کارکردهای اسطوره آب در پدید آمدن نظام آفرینش به شمار می‌روند. بر پایه همین باور، در مصر افسانه‌های زیادی در بارهٔ چشمه‌ها و چاه‌ها آفریده شده است. اسماء عبدالرحمن در بارهٔ یکی از همین باورها می‌نویسد: «رَسَخَ معتقدُ الْعَرَبِ قَبْلَ الْإِسْلَامِ أَنَّ الْمَاءَ عَلَى سَطْحِ الْأَرْضِ مَنْبِعًا وَاحِدًا يَحْكِمُهُ اللَّهُ وَاحِدًا... وَ مِنْ هَنَا كَانَ تَقْدِيسُ الْعَرَبِ لِمَوَاطِنِ الْمَاءِ وَ مَنْبِعِهَا.» (اسماء عبدالرحمن، ۱۴۴۲ق: ۱۱۴۰).

ترجمه: ثابت شد که بنا بر باورهای اعراب پیش از اسلام، آب بر روی سطح زمین منبع واحدی است که به وسیلهٔ یک خدای یگانه اداره می‌شود...، و احترام عرب‌ها به مکان‌هایی که دارای آب و منابع آبی هستند، از همین باور نشأت گرفته است.

### ویژگی پاک کنندگی و درمانگری آب

با توجه ویژگی پاک کنندگی، تطهیر و درمانگری آب در باورهای گذشتگان، مصریان باستان معتقد بودند که آب یک درمانگر بی مانند است، اسماء عبدالرحمن ضمن اشاره به این ویژگی مهم و برجسته آب می‌نویسد: «أَنْ هَنَاكَ عَيْنٌ أَسْكَنَدَرِيَّةٌ تَحْتَوِي صَنْفًا مِنَ الصَّدْفِ، يَسْاعِدُ فِي شَفَاءِ الْأَنْوَاعِ النَّادِرِ مِنَ الْأَمْرَاضِ كَالْجَذَامِ.» (المرجع السابق: ۱۱۴۲).

ترجمه: و در جای دیگری اشاره شده است که چشمه‌ای در اسکندریه وجود دارد که حاوی نوعی صدف است که به درمان انواع بیماری‌های نادر مانند جذام کمک می‌کند. اسماء عبدالرحیم برای تأکید به ویژگی درمانگری آب، به داستان ایوب (ع) نیز اشاره کرده، می‌نویسد: «وَعَظَمَتْ تَلْكَ الْمَكَانَةُ، حِينَ جُعِلَ هَذَا الْمَاءُ شَفَاءً لِلْسَّقْمِ وَ الْمَرْضِ، (المرجع السابق: ۱۱۱۳۲).

ترجمه: مقام آب زمانی عظمت پیدا کرد که موجب شفای بیماری‌ها و مرض‌ها شد. وی در ادامه با استناد به سورهٔ ص در قرآن کریم، و یادآوری داستان ایوب (ع)، آب را موجب شفای بیماران می‌داند: «وَأَذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ أَذْنَادِي رَبَّهُ أَتَى مَسْنَى الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَ عَذَابٍ. ارْكَضَ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسِلَ بَارِدٍ وَشَرَابٍ.» (سورهٔ ص - آیه ۴۱ - ۴۲).

ترجمه: و ای رسول ما یاد کن از بنده ما ایوب، هنگامی که به درگاه خدا عرض کرد پروردگارا شیطان مرا سخت رنج و عذاب رسانیده. پای به زمین زن در این آب سرد شستشو کن و از آن بیاشام.

مصریان باستان اهمیت ویژه ای به آب رودخانه نیل داده، آن را پاک و مقدس می دانستند. بر پایه همین باور، اسماء عبدالرحیم می گوید: مصریان از گذشته های دور در باره قداست و پاکی آب نیل، باورهای اغراق آمیزی داشتند. «حتی جعلت مصدره المائكة، فاعتقد الوجدان الشعبي لقرون طولیه.» (اسماء عبدالرحمن، ۱۴۴۲ق: ۱۱۱۳۲).

ترجمه: تا جایی که منشأ آن را به فرشتگان نسبت می دادند و این اعتقادی بود که برای قرن ها وجود داشت.

عمرو عبدالعزیز نیز ضمن اشاره به قداست و پاکی آب نیل در باورهای مصریان می نویسد: «أن النيل نزل على أجنحة الملائكة، وأن جبرئيل - عليه السلام - نزل بالنيل و الفرات على جناحيه، فكان النيل على جناحه الأيسر، والفرات على جناحه الأيمن.» (عمرو عبدالعزیز، ۲۰۰۹م: ۱۱۱۳۸).

ترجمه: نیل بر بال فرشتگان نازل شد، و جبرئیل علیه السلام با نیل و فرات بر بال او نازل شد. پس نیل بر بال چپ، و فرات بر بال راست او بود.

از دیگر جلوه های حضور آب در باورهای مصریان، مانند کردن آب به عطر است. بر پایه همین باور، آنان آب را بهترین نوع عطر می دانستند. «و من وصيته أمامه بنت الحارث لأنبها، و هي مقبله على الزواج: «وليكن أطيب طيبك الماء» (اسماء عبدالرحمن، ۱۴۴۲ق: ۱۱۱۲۷).

ترجمه: بنت الحارث به پرسش که در شرف ازدواج بود چنین سفارش کرد که بهترین عطر تو آب باشد.

آب نه تنها با زندگی، نام، آداب، سنت ها و عقاید مصریان در آمیخته و به آن توانایی آفرینش داده شده که آنان بر این باورند که شستوی مردگان با آب، سرآغاز زندگی جدیدی برای آنان است: «و خير دليل على ذالك تغسيل الميت، الذى هو تمهيد لحياة جديدة يستعد لها المتوفى.» (المرجع السابق: ۱۱۱۳۱).

ترجمه: بهترین شاهد بر این امر، شستن مردگان است که مقدمه ای برای زندگی جدیدی است که متوفی برای آن آماده می شود.

### نتیجه گیری

با توجه به آنچه گفته شد، سیر تاریخی اسطورة آب در باورهای ایرانیان باستان، شاهنامه فردوسی و مصر باستان نشان می دهد که این اسطورة کهن از دیرباز، نقش مهم و سازنده ای در باورهای مردم داشته و در کارکردهای گوناگونی به کار رفته است. بن مایه های آفرینش جهان در اسطوره های بیشتر ملت ها، حاصل ترکیب گوهر های چهارگانه، و قالب جسمانی انسان حاصل ترکیب آب

و خاک است. در ایران باستان، آب به عنوان عنصری قدسی احترام بسیار داشته است. در آیین زردهشت، وحدت آب نماد یگانگی خداوند، و کثرت آن، جلوه‌گاه تمام پدیده‌های هستی است. از میان چهار عنصر اسطوره‌ای، کهن‌الگوی آب اهمیت ویژه‌ای دارد؛ حالتی اسطوره‌ای-روایی دارد، و وظیفه برخی از الهگان، نگهبانی از آب هاست. در شاهنامه فردوسی، اسطوره آب در سه کارکرد عمدی به کار رفته که عبارتند از نقش سازنده آن در پدید آمدن عالم هستی، آب حیات و جاودانگی، و آزمون گذر از آب. آب در کارکرد نخست، اساس پدید آمدن عالم هستی است؛ آب حیات، موجب رسیدن انسان به جاودانگی می‌شود؛ انسان با گذشت از آب، یا شست و شوی جسم با آن، از عالم جسم و مرگ رها شده، به عالم معنا و کمال روحانی می‌رسد، و زندگی دوباره‌ای می‌یابد. نقش‌های سه‌گانه اسطوره آب در شاهنامه، بیشتر در داستان‌های مربوط به کیخسرو، بیزدگرد بزه گر، هفت خوان رستم و اسفندیار، اسکندر، تعمید رستم و آب چشمه سو نمود یافته است. در باورهای مصریان نیز، اسطوره آب از دیرباز جایگاه والای دارد. مصریان باستان، آب را اساس آفرینش عالم هستی و به وجود آمدن خدایان می‌دانند و بر این باورند که آب عنصر اصلی، خدای خدایان و خدای همه موجودات است. آنان با توجه به نقش آب باران در نوشیدن و کشاورزی، آب را اقیانوس ابدی و بدیع دانسته، خود را فرزندان آب‌های آسمان می‌دانستند و بر این باور بودند که خدایان و آسمان و طبیعت از آب آفریده شده اند. مصریان باستان ضمن تقسیم نظام هستی به دو گروه خیر و شر، بر این باور بودند که خدای گروه خیر در یک دوره زمانی از خدای اتم از دریا بیرون آمده و با خدای خورشید، رع، متحد شده است. به باور مصریان باستان، آب‌های روی زمین منبع واحدی دارند که به وسیله یک خدای یگانه اداره می‌شود. از دیگر باورهای اسطوره‌ای مصریان باستان در باره آب، اشاره به نقش درمانگری آن است. به باور آنان نوعی صدف در چشمه ای وجود دارد که انواع بیماری‌ها، از جمله جذام را درمان می‌کند. بر پایه همین باور، اسماء عبدالرحیم به داستان شفای ایوب نبی در قرآن کریم نیز اشاره کرده است.

## منابع

قرآن کریم.

آموزگار، ژاله. (۱۳۹۵). تاریخ اساطیری ایران. چ هفدهم. تهران: سمت.

استیونس، ورونیکا. (۱۳۷۳). اساطیر هند. ترجمه باجلان فرخی. چ اول. تهران: اساطیر.

اسماء عبدالرحمن عبدالرحیم احمد. (۲۰۲۰). اساطیر حول الماء و اساطيله. جمهوریه مصر العربیه. جامه اسیوط. پ.

الیاده، میرچا. (۱۳۷۶). رساله در تاریخ ادیان. ترجمه جلال ستاری. چ دوم. تهران: سروش.

پورداوود، ابراهیم. (۱۳۹۴). اوستا. چ چهارم. تهران: نگاه.

جفری بارندر. (۱۹۹۳). *المعتقدات الدينية لدى الشعوب*. ترجمه: د/ أمام عبدالفتاح أمام. الكويت: المجلس الوطني للثقافة والفنون والآداب.

خالقی مطلق، جلال. (۱۳۸۱). *سخن‌های دیرینه*، به کوشش علی دهباشی. چ چهارم. تهران: افکار.

دلاشو، م. لوتر. (۱۳۶۶). *زبان رمزی قصه‌های پریوار*. ترجمة جلال ستاری. چ دوم. تهران: توسع.

رضی، هاشم. (۱۳۴۶). *فرهنگ نام‌های اوستا*. چ اول. تهران: فروهر.

زمردی، حمیرا. (۱۳۸۸). *نقد تطبيقی ادیان و اساطیر در شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی و منطق الطیر*. چ سوم. تهران: زوار.

سرکارانی، بهمن. (۱۳۸۵). *سایه‌های شکار شده*. چ چهارم. تهران: طهوری.

سزامی، قدمعی. (۱۳۹۲). *از رنگ گل تا رنچ خار*. چ ششم. تهران: علمی و فرهنگی.

شوالیه، ژان و گربران، آن. (۱۳۷۸). *فرهنگ نمادها*. ترجمة سودابه فضایلی. چ اول. تهران: جیحون.

عماد مجاهد. (۲۰۲۰). *الموسوعة الكونية الحديثة (قصة نشأة الكون)*. دارالخلیج للنشر والتوزیع.

عمرو عبدالعزيز. (۲۰۰۹). *مصر و النيل بين التاريخ والfolklor*. القاهرة: الهيئة العامة لقصور الثقافة مكتبة الدراسات الشعبية.

فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۴). *شاهنامه*. پیرایش جلال خالقی مطلق. چ بیست و ششم. تهران: سخن.

کوپر، جی. سی. (۱۳۷۹). *فرهنگ مصور نماد‌های سنتی*. ترجمة مليحة کرباسیان. چ اول. تهران: فرشاد.

ورمازن، مارتیوزن. (۱۳۷۲). *آیین میترا*. ترجمة بزرگ نادرزاد. چ اول. تهران: سروش.

ولید فکری. (۲۰۱۹). *أرباب الشر - المعبدون والملعونون في أساطير الشعوب القديمة*. الرواق للنشر والتوزیع.

مقالات

اسماعیل پور، ابوالقاسم. (۱۳۸۱). (تیرما، سیزه‌شو) یا جشن تیرگان و اسطورة تیشت. نامه انسان شناسی. دوره ۱. شماره ۱. صص: ۹۹-۷۷.

بارگیر و همکاران. (۱۳۹۶). (تجلى رمز و اسطوره در دیوان، حديقه و سیرالعباد سنایی). فصلنامه بهار سخن. سال چهاردهم. شماره ۳۶. صص: ۱۱۵-۱۳۴.

حیدری، حسن. (۱۳۸۵). (حضر، اسکندر و آب حیات). مطالعات عرفانی. شماره ۳. صص: ۹۰-۷۳.

قائمی، فرزاد و همکاران. (۱۳۸۸). (تحلیل نقش نمادین اسطورة آب و نمود های آن در شاهنامه فردوسی بر اساس روش نقد اسطوره‌ای). جستارهای ادبی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی سابق). مجله علمی-پژوهشی. شماره ۱۶۵. صص: ۶۷-۴۸.

#### COPYRIGHTS

© 2025 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: شاه بديع زاده محمد، مهربان جواد، مدیر احمد، تطبيق اسطورة آب در شاهنامه فردوسی و كتاب أساطير حول الماء وأساطيله، فصلنامه ادبیات تطبيقی، دوره ۱۹، شماره ۷۶، پاییز ۱۴۰۴، صفحات ۲۴۸-۲۳۳.